



عنوان مقاله:

ساختار روایی صحنه در تدوین

چکیده مقاله:

تدوین عبارت است از قرار دادن عناصر روایی در ارتباط با یکدیگر. در تدوین همه چیز طراحی می شود. ممکن است ۹۵ درصد راش ها را دور بریزیم تا به یک ساختار روایی مناسب برسیم. این عناصر می توانند تصویری، صوتی یا حتی فقط یک دستکاری (مثل دستکاری در زمان)، یا ترکیبی از این ها باشند.

هرچند مشکل ها می افتد از همین مجمل، اما جای پای که بتوان رویش ایستاد و پله های بعدی را برداشت همین تعریف ساده است. علما و نظریه پردازان سینمایی بسیاری تدوین را به طرق مختلف تعریف کرده اند، اما می توان با اطمینان بالایی گفت فراتر از این تعریف هرچه هست تفاسیری است که از وضعیت های مختلفی که می توان دو نما یا دو عنصر سینمایی را در کنار هم قرار داد به وجود آمده است.

از مجموع مقالات آکادمی نیک درس

[لینک دسترسی به این مقاله در وب سایت آکادمی نیک درس](#)

ساختار روایی صحنه در تدوین

در تدوین همه چیز طراحی می شود. ممکن است ۹۵ درصد راش ها را دور بریزیم تا به یک ساختار روایی مناسب برسیم. هیچ چیز به شکل اتفاقی و بر مبنای شانس در تایم لاین قرار نمی گیرد. تمام ثانیه ها، نماها، فریم ها و کلمه ها، لحظه ها، قطعات موسیقی و...

تدوینگران حرفه ای، ساختار نهایی فیلم را با توجه به کلیات مورد نظر صاحبان اثر (مدیران استودیو، تهیه کننده و کارگردان) طراحی می کنند.

ساختار روایی به چه معناست:

نوشتن و یا گفتن اتفاقات به هم پیوسته (داستان) یک ساختار روایی است.

مجموعه وقایع مرتبط که خط داستانی را درست می کنند. راهی آسان برای تدوینگران در مواجهه با این ساختار، آن است که سه سؤال ساده زیر را در رابطه با روایت مطرح کنند.

- داستان از کجا آغاز می شود؟
- داستان در کجا پایان می پذیرد؟
- چه مرحله ای ما را از ابتدا به انتهای داستان می رساند؟

علاوه بر این که یک فیلم به شکل کلی داستان گوست، هر صحنه از آن هم به شکل مجزا داری این خاصیت می باشد.

هر صحنه دارای شروع، ارتباط مناسب تصویری و صوتی و رسیدن به مقصد نهایی خود است.

تمام صحنه ها و مکالمه های یک فیلم باید ردیف شوند تا بدانیم در مورد موضوعی خاص چه تصاویری در اختیار داریم. (ردیف کردن Line Break Down در تدوین به معنای مرتب کردن تصاویر متناسب با ترتیب نمایشی و یا موضوع یکسان است).

(مثلاً اگر موضوع ما درباره یک مدرسه است باید تصاویر عمومی مدرسه، بازی بچه ها در حیاط، نماهای نوشتن مشق و تمرینات در کلاس و... را در یک تایم لاین با یک عنوان مخصوص به هر کدام و پشت سرهم تنظیم کنیم تا به هنگام تدوین بتوانیم آن ها را در جای مناسبی از فیلم بگذاریم).

باید همه لحظه‌ها در فیلم را برنامه‌ریزی کنیم. نمی‌توان امیدوار باشیم که فیلم خود به خود درست شود! بدون این که برای هر لحظه از آن برنامه‌ریزی و طرح داشته باشیم.

باید به شکلی مشخص بدانیم که طرح داستان دارد به کجا می‌رود. اسکلت ساختاری صحنه و همچنین صحنه‌ها را بدانیم.

سرعت در تدوین در ساختار روایی به چه معناست؟

به‌طور طبیعی به تدوینگری سریع نمی‌گوییم که سریع راش‌ها را در تایم‌لاین قرار دهد و سریع یک موسیقی را زیر تصاویر بگذارد و کمی تصاویر را اصلاح کند.

تدوینگری سریع است که به‌سرعت و با دقت بیشتر به روایت درست و نتیجه‌نهایی تدوین خوب برسد.

تدوینگر همه‌چیز را به شکل درست در جای خود قرار می‌دهد و تمام اشتباه‌ها را از کار خارج می‌کند.

اولین لایه از گرامر برنامه تلویزیونی مکالمه آن است که باید موجز بامعنی و منطقی باشد.

چطور ساختار روایی مستند می‌سازیم؟

ابتدا شروع به انتخاب مکالمه‌های مناسب و جای‌گذاری آن‌ها در تایم‌لاین می‌کنیم.
















پس از این مرحله از خود سؤالاتی نظیر سؤالات زیر می‌کنیم.

- آیا همه‌چیز در یک ترتیب درست چیده شده است؟
- اگر نه چه چیزی باید تغییر کند؟
- آیا به همه تکه‌های فیلم که استفاده شده نیاز داریم؟
- آیا تکراری در کار وجود دارد؟
- آیا این ترتیب چینش پلان‌ها نمایشی است؟

پس از بررسی دست‌به‌کار می‌شویم.

- تمام چیزهای نامناسب را از کار خارج می‌کنیم.
- به آنچه که باقی‌مانده طبق منحنی مناسبی که قصد ایجاد آن را داریم نظم می‌دهیم.

در مرحله اول انتخاب مکالمه مناسب، نکات تدوینی مانند جامپ کات اهمیتی ندارند و فقط به ساختار روایی مناسب مکالمه‌ای و حس تصویری مناسب با موضوع توجه می‌کنیم. در مراحل بعدی است که با تصاویر مناسب مکالمه را تصویرسازی می‌کنیم و جامپ کات‌ها و ایرادهای دیگر تصویر مصاحبه را می‌پوشانیم.

ACT 1	ACT 2	ACT 3
 ما کجا هستیم؟	 هدف	 پلتفرم وضعیت
 چه زمانی است؟	 محدودیت زمانی	 شوک شکست
 ما که هستیم؟	 داستان‌های فوری	 هدف نهایی
 تم فیلم چیست؟	 عمیق تر شدن در موضوع	 پیروزی نهایی
 مخاطره بر سر چیست؟	 موانع	 صحنه آخر

چگونه صحنه را شروع و تمام کنیم در ساختار روایی

شروع یک صحنه اشکال گوناگونی دارد و به موضوعی که تدوین می‌کنیم هم‌بستگی دارد.

در بسیاری از فرم‌های تدوینی می‌توان این سه سؤال را برای شروع صحنه راهنما قرار بدهیم:

- آن‌ها کجا هستند؟،
- چه می‌کنند؟،
- درباره یک موضوع چه احساسی دارند؟.

در مستندهای مشاهده‌گر، دستور زبانی را برای ساختار روایی در نظر می‌گیریم.

- آن‌ها کجا هستند و در آنجا چه می‌گذرد.
- سکوی پرشی را فراهم می‌کنند.
- ذهن تماشاگران را آماده می‌کند.

در مستندهای کلاسیک

به شیوه‌ای دیگر شروع و از مصاحبه‌هایی که رو به دوربین داریم، استفاده و بعداً آن‌ها را با تصاویر اینسرتی تصویرسازی می‌کنیم.

برای شروع مستند می‌توانیم این حالت‌ها را در نظر بگیریم.

- نخستین چیزی که گفته می‌شود، لحن صحنه را مشخص می‌کند،
- می‌تواند توضیح و یا نشانه‌ای از موضوع را داشته باشد،
- می‌توانیم نکته‌ای را پیدا کنیم که تکرار درون مایه اصلی باشد،
- تماشاگر آن همچون بومی سفید و خالی هستند که باید موضوع را به آن‌ها معرفی کنیم.

مهم‌ترین بخش مصاحبه پایان آن است.

سوالی که تهیه‌کننده و کارگردان در اتاق تدوین می‌پرسند آن است که صحنه پایانی چیست؟

درباره پایان صحنه این سؤالات را از خود می‌کنیم:

- آیا صحنه در مورد تشریح یک واقعه بوده است؟ که در این صورت باید بهترین بخش کار را در انتها نمایش دهیم.
- لحن صحنه چیست؟،
- کجای آخر صحنه می‌خواهیم تماشاگرمان درگیری عاطفی بیشتری پیدا کند.

در بسیاری از مستندهای مشاهده‌گر در آخر صحنه یک جمله کمدی می‌گذاریم.

در یک مستند تاریخی برای شروع می‌توانیم بگوییم:

ساختن آن سفینه فضایی در دو سال، سخت‌ترین کاری بود که ناسا (Nasa) تا به حال قصد اجرای آن را داشت.

و برای پایان صحنه:

گروه کاری غیرممکن را انجام دادند.

برگرفته از کتاب (شروع - میانه - پایان) نوشته نانسی کرس

منحنی روایت در ساختار روایی چیست؟

منحنی روایت با سه پرسش اساسی تعیین می‌شود:

- این داستان چه کسی است؟

- شخصیت زاویه دید کیست؟

- خط سیر کامل داستان چیست؟

۱. همه شخصیت‌ها شایسته توجه هستند و ایده آل است که سرنوشت همه آن‌ها برای تماشاگر مهم باشد. اما یک شخصیت شایسته‌ترین توجه بوده و این همان شخصیتی است که سرنوشتش طرح اصلی داستان را نمایان می‌کند.

۲. همه داستان می‌تواند از زاویه دید یک نفر بیان و یا در بخش‌های مختلف زاویه دید متفاوت شود، مثلاً مستندی می‌تواند از زاویه دید خبرنگار و یا یکی از قربانیان حادثه درون مستند باشد و یا به فراخور تغییر پیدا کند.

زاویه دید کمک می‌کند که چه بخش‌هایی از داستان را کنار بگذارید و از دیدگاه یک شخصیت داستان را ادامه دهید و به جزئیات بی‌اهمیت و بدون ارتباط با شخصیت اصلی خود پرهیز کنید.

۳. خط سیر کامل داستان اتفاقی است که در نهایت برای قهرمان می‌افتد - اتفاقات اولیه بسیار مهم هستند چون سبب دنبال کردن داستان توسط مخاطب می‌شوند - اگر خط سیر داستان را بدانید، می‌توانید داستان را به راحتی ادامه دهید و اگر یکی دو تا قصه فرعی را وارد داستان کنید، چون خط سیر را می‌دانید، دوباره به آن برمی‌گردید و داستان‌های فرعی داستان شما را با خود نمی‌برند.

۱. Nasa

برای صحنه‌هایی که رابطه مستقیم با خط سیر کامل داستان دارند بیش‌تر وقت بگذارید. اگر صحنه‌ای توجه شما را جلب کرد، آن را تدوین کنید و در بررسی‌های بعدی اگر واقعاً بی‌ربط به نظر رسید، می‌توانید آن را حذف کنید.

جایی در میان تصاویر، شروع خوبی برای داستان وجود دارد - چند شروع متفاوت را برای داستان تصور و یا در سکانس‌های مجزا آزمایش کنید.

گاهی ساختار روایی خود را نمی‌دانید. دل به دریا بزنید و با توجه به بدیهیاتی که باید در کار باشد، شروع به تدوین کنید.

سکانس‌ها را به شکل مجزا تدوین کنید. درنهایت با جابجایی آن‌ها به ساختار روایی مطلوب می‌رسید! نگویید می‌نشینم تا تدوین کنم بلکه بگویید تدوین می‌کنم تا سکانس مشخصی را به پایان برسانم. فرآیند تدوین طولانی است و لازم نیست همه آن در یک روز انجام دهید.

محاسن ساختار داستان به ترتیب وقوع حوادث، (روشنی و یکپارچگی) است. هیچ خواننده‌ای گم نمی‌شود زیرا تغییر بزرگی در زمان یا زاویه دید رخ نمی‌دهد. یکپارچگی تضمین شده است زیرا از ما خواسته شده تا فقط واکنش‌های یک فرد را در خصوص رویدادهای داستان نشان دهیم.

محدودیت شیوه ساختار داستان به ترتیب وقوع حوادث - دامنه زاویه دید است - از آنجا که این ترتیب با زاویه دید یک نفر بهتر کار می‌کند، اگر در صحنه‌ای شخصیت حاضر نباشد نمی‌توانید نشان دهید برای دیگران چه اتفاقی افتاده است.

این نکته در تدوین بسیار حائز اهمیت است - اگر در یک فیلم قرار است از ابتدا تا انتها با یک شخصیت همراه باشیم، تغییر زاویه دید و همراه شدن با شخصیتی دیگر و فراموشی شخصیت اصلی می‌تواند آسیب‌زا باشد - مگر این‌که هر دو شخصیت را به هم برسانیم.

نیک درس

درباره پایان فیلم در ساختار روایی

هر چه فیلم کوتاه‌تر باشد، پایان آن که احتمالاً معنای نمادین و قوی هم دارد، مهم‌تر می‌شود.

دو شیوه اصلی برای پایان وجود دارد؛ گره‌گشایی در مقابل طنین‌اندازی

در داستان کوتاه با طرح کلاسیک، در انتها پیچیدگی‌های خوب یا بد داستان برطرف و سرنوشت همه شخصیت‌های اصلی داستان روشن می‌شود، این همان داستانی است که همه ما با آن آشنا هستیم. کارآگاه‌های جوان معما را حل می‌کنند و در پایان داستان چیزی بلا تکلیف نیست.

برخلاف پایان طرح‌های کلاسیک، پایان داستان‌های کوتاه ادبی معاصر ظاهراً مشکلی را حل نمی‌کند یا توضیح نمی‌دهد چه اتفاقی برای شخصیت‌های داستان می‌افتد. در واقع کسانی که این‌گونه نوشته‌ها را دوست ندارند، اغلب پس از پایان داستان کوتاه ادبی معاصر می‌گویند: (چی شد؟) (انگار هیچ اتفاقی نیافتاد).

یا: (داستان تمام نشد، فقط متوقف شد) یا این‌که: (صفحه آخرش کجاست؟ تموم شد؟)

نبود گره‌گشایی از طرح داستان در این نوع فیلم‌ها عمدی است. هدف این‌گونه داستان‌ها، نمایش وضعیت است نه حل کردن آن. زیرا خود وضعیت مبهم و به خودی خود و بدون گره‌گشایی جالب یا حل آن غیرممکن است.

برای تأثیر داستان طنین‌انداز نیاز به خواننده حساس دارید. و همچنین باید در طول داستان بیننده را به ماجرا و علت و معلول صرف عادت نداده باشید که در این صورت در انتها نیز تماشاگر منتظر پایانی کاملاً مشخص خواهد بود.

آخرین پاراگراف داستان کوتاه محل قدرت‌نمایی و آخرین عبارت پر قدرت‌ترین آن است و اغلب نه همیشه آخرین عبارت یا پاراگراف درون مایه کل داستان را در ذهن خواننده زنده می‌کند.

پایان بخش کتاب (آغاز - میانه - پایان)



تعلیق یا مخاطره

در همه فرم‌های داستانی همانند کتاب، فیلم و برنامه‌های تلویزیونی وجود دارد و این شک را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که شخصیت ممکن است شکست بخورد و سرمایه‌گذاری عاطفی روی داستان صورت می‌گیرد.

در اینجا تعلیق را زیاد و سپس رها یا مشکل را بر پا می‌کنیم و بعد به آن پاسخ می‌دهیم.

(همانند سؤالاتی که در مسابقه‌ای از شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شود و دانستن یا ندانستن و یا پاسخ درست و یا غلط مقدار جایزه‌ای که او به دست می‌آورد را کاهش و یا افزایش می‌دهد. این همان تعلیق یا مخاطره است و بعد بلافاصله تعلیق بعدی)

در تعلیق به این نکات توجه داشته باشید:

- این کار چقدر مشکل است،
- چه چیزی در خطر است،
- موفقیت تضمین شده نیست،
- آن‌ها چه احساسی در این باره دارند.

همه صحنه‌ها دارای خطر و مخاطره نیستند - باید بدانیم کدام صحنه و مکالمه دارای این خاصیت است.

تعلیق در ابتدای صحنه، در طول صحنه پاسخ داده خواهد شد و تعلیق انتهای صحنه در صحنه بعد نتیجه‌گیری می‌شود.

توجه به این نکته برای فواصلی که تبلیغات بازرگانی نمایش داده می‌شوند نیز بسیار مهم است. بهتر است جایی برنامه قطع شود که روایت در حالت تعلیق باشد و پس از بازگشت به آن پاسخ داده شود.

اصلاحات نهایی مکالمه

تولستوی (Tolstoy) (آنا کارنینا)^۳ (Anna Karenina) را هفده بار بازنویسی کرد و ولادیمیر ناباکوف (Vladimir Nabokov) نوشته است: (هر واژه‌ای را که تاکنون نوشته‌ام، اغلب چندین بار بازنویسی کرده‌ام. مدادهایم بیش از پاک‌کن‌هایشان دوام دارند)

بازنگری مهم‌ترین کاری است که می‌توانید برای فیلم‌تان انجام دهید و تقریباً همیشه منجر به داستانی قوی‌تر می‌شود.

اگر خود شما حوصله بازبینی فیلم خود را ندارید، چطور انتظار دارید دیگران آن را ببینند.

اگر آن قدر خوش‌شانس هستید که کسی را بشناسید که بتواند و بخواهد با صداقت به شما بگوید کدام بخش‌های داستان جالب است و کدام بخش جالب نیست از کمک این منبع باارزش برای بازبینی فیلم خود استفاده کنید، شاید نتواند در حل مشکلات فیلم کمک‌تان کند اما به تنها چیزی که در این مرحله نیاز دارید، کمک آگاهانه و صریح است.

درصد توجه و توضیح فیلم خود بر نیاید بلکه صحبت‌هایی که از طرف منتقدان و یا تسترها می‌شود را به خوبی درک و سعی کنید اشکالات فیلم خود را رفع نمایید.

^۳ Tolstoy

^۴ Anna Karenina

^۵ Vladimir Nabokov

حالا موقعیت خود را به یک منتقد کارتان تغییر دهید و صحنه‌ها را به‌درستی تجزیه و تحلیل کنید. آیا صحنه‌هایی وجود دارد که توضیح واضح‌تر است و می‌تواند در هم تلفیق شوند؟ آیا بخش‌هایی هستند که ناواضح‌اند و نیاز به بازنگری کلی و توضیح بیشتر دارند.

در این مرحله بسیاری از تکرارها و اضافه‌های مکالمه و مواردی که به‌پیشبرد داستان کمک نمی‌کند را حذف می‌کنیم تا ساختار ما یکدست به نظر برسد.

قطعاً مکالمه‌ای طولانی را شروع به تصویرسازی نمی‌کنیم، چراکه تلف کردن وقت است. حالا هم بیشتر صحنه‌ها چند دقیقه تصویر اضافه دارند.

- باید ساختار روایی را مورد آزمایش قرار دهیم،
- باید کار را به حداقل مکالمه برسانیم.

حالا باید از ابتدا تا انتهای کار مورد ارزیابی قرار دهیم و مطمئن شویم که هر بخش از مکالمه به‌درستی به‌کاررفته است و باعث پیشرفت داستان می‌شود.

پس از ارزیابی ساختار شروع به کم کردن بخش‌های زائد کار می‌کنیم تا داستان را در موجزترین و مؤثرترین حالت ممکن بیان کنیم. همیشه راف کات، طولانی‌تر از نسخه نهایی تدوین در روزهای آخر خواهد بود. فکر کنید وقتی با مقدار زیادی از محتوا سرو کار داریم، کلمات بسیار و صحنه‌های زیاد، آیا به همه آن‌ها نیاز داریم؟ آیا داستان بدون آن‌ها می‌تواند روایت شود؟

پس از حذف بخشی از مکالمه، اگر داستان به‌درستی بیان نشود، باید بخش حذف شده را به صحنه برگردانیم.

توجه داشته باشید مخاطب همچون لوح سفیدی در برابر کار قرار می‌گیرد و پیش‌زمینه‌ای درباره داستان کار ندارد. پس اطلاعات اساسی نباید به دلیل سریع‌تر شدن ریتم تدوین از او دریغ شود.

ساختار روایی را مورد ارزیابی نهایی قرار می‌دهیم. مکالمه اسکلت صحنه است و اولین لایه از گرامر فیلم و باید قوی باشد البته نه لزوماً بی‌نقص.

تدوین رادیویی یکی از روش‌های تدوین مکالمه است. در این مرحله فقط مکالمه مهم و ممکن است تعداد زیادی جامپ‌کات در تصویر باشد و یا این‌که جهت نگاه درست نباشد یا جای شخصیت در لوکیشن‌های مختلف باشد. این‌جا فقط روند کلام مهم است و مشکلات تصویری در مرحله بعدی اصلاح خواهند شد.

می‌توانید برای بررسی کار به این روش، مونی‌تور را خاموش کنید و اصلاً تصویر را نبینید و فقط به روان بودن کلامی که می‌شنوید، توجه کنید.



بالا و پایین شدن نامناسب صدا باعث می‌شود تا تماشاگر متوجه تدوین شود و به بخش‌های حذف شده فکر کند. همچنین سرعت کلام در هنگام تدوین باید مورد نظر باشد. یک جمله آرام نباشد و جمله بعدی بی‌وقفه و سریع! این نکته متأسفانه در بیشتر کارهای خبری مورد توجه نیست و فقط به کلماتی ارائه شده، توجه می‌شود.

با شنیدن کار، این سؤالات را از خود پرسید:

- آیا مکالمه از نظر منطقی بامعناست؟
- آیا همه بخش‌های مکالمه ضروری هستند؟
- آیا بخش مناسبی از مکالمه را از دست داده‌ام و در تدوین استفاده نکرده‌ام؟
- آیا جملات آغاز کار خوب هستند؟
- آیا جملات آخر کار خوب هستند؟

از دستیارانی که در شرکت فیلم‌سازی هستند کمک بگیرید تا نسبت به کارکرد و واضح بودن کار مطمئن شوید. حتی افراد خانواده و یا دوست آن‌هم می‌توانند به شما کمک کنند و حتماً نباید آن شخص متخصص باشد.

مخاطبان محصول شما در نهایت همین مردم هستند. پس نظر مردمی که چندان تخصصی در زمینه فیلم‌سازی ندارند می‌تواند نمونه‌ای از نظر بیشتر مردم باشد.

برای رسیدن به مرحله نهایی اصلاح صدا باید به نکات زیر توجه شود:

- باید داستان را به تنهایی از ابتدا تا انتها روایت کنیم،
- همه اشتباهات و تکرارها را از کار خارج کنیم،
- تا حد ممکن کار را کوتاه کنیم،
- در صورت نیاز مکالمه را برای تأثیر دراماتیک بیشتر، جابجا کنیم،
- نباید معنی مکالمه و مقصود مصاحبه‌شونده را تغییر دهیم.

چگونه در خصوص لحن یک سکانس تصمیم می‌گیریم؟

فرض کنید لازم است یک نفر صبح خیلی زود از خواب بیدار شود و به سرکار برود:

۱. احتیاج به پلان‌هایی است که خستگی او را نشان بدهد،
 ۲. پس از آن احتیاج داریم که عزم و همت او را ببینیم،
 ۳. همچنین سرعت عجله برای رسیدن به کار را.
- فرض کنید صحنه‌ای داریم از شخصی که فردا قرار است در مصاحبه‌ای خیلی مهم با شرکت ۱۰۰ متقاضی دیگر، شرکت کند.

۱. باید نگرانی را در حالات او حس کنیم،
۲. او باید خود را دلداری دهد که ممکن است در این مصاحبه قبول شود،
۳. اگر حالت او نگرانی است، می‌تواند خنده‌های عصبی داشته باشد و کلاً نمی‌تواند شاد و سرخوش باشد.

به حالت کلی صحنه توجه داشته باشید و آن را با احساسات متناقض خراب نکنید!

باید هدف نهایی صحنه را تصور کنیم.

- اگر بدانیم صحنه قرار است در آخر چه بشود، فرایند خلاقه را بهتر پیگیری می‌کنیم و می‌توانیم راحت‌تر در خصوص تصاویر قضاوت کنیم،
- به‌سادگی اگر یک صحنه قرار است بامزه باشد و تصاویر ما متناسب با این موضوع نیست، آن‌ها را بیرون می‌ریزیم،
- یا اگر می‌خواهیم صحنه جدی باشد، نباید آن را با رفتارهای احمقانه شخصیت‌ها خراب کنیم.

تصور صحنه نهایی کمک فراوانی به ما می‌کند.

مثلاً اگر قرار است یک صحنه احساسی را تدوین کنیم، بهتر است که عینک احساسات را بر چشم بزنیم.

حالا همه مواد را با این عینک می‌بینیم:: حرکت دوربین، سرعت اجرای حرکت، فوکوس و فلو و همه چیز.

اگر قرار است یک صحنه احساسی و آرام بسازیم، به‌طور طبیعی از زوم این - بک‌های سریع و یا پن و حرکت‌های سریع دوربین اجتناب می‌کنیم.

همه جزئیات باید با تُن یا لحن صحنه هماهنگ باشند.

کاراکترها چه می‌گویند، چگونه حرف می‌زنند، سرعت و اندازه پلان چه قدر است، سرعت حرکت در پلان چه قدر است. تدوین فرآیندی ذهنی و فکری است، پس زمان خود را برای برش زدن بیهوده، تلف نکنید و قبل از شروع به تدوین، صحنه نهایی را در نظر داشته باشید.

هنگام نوشتن هم، همین فرایند طی می‌شود. وقت خود را با نوشتن کلمات و جملات بی‌معنا تلف نمی‌کنیم، بلکه به شخصیت‌ها و داستان نهایی توجه داریم.

تدوین یک هنر Subtractive است به این معنا که شروع به کاهش تصاویر می‌کنیم تا جایی که شکل نهایی کار برسیم.

باید راش‌ها را برای مستند ردیف کنیم، بخشی از مکالمه را که انتخاب کرده‌ایم در تایم‌لاین می‌آوریم و تصاویری که مربوط به تصویرسازی آن بخش می‌شود را نیز کنار آن قرار می‌دهیم.

فضاهای مختلف تصویری را با هم دسته‌بندی می‌کنیم تا راحت‌تر بتوانیم از آن‌ها در فیلم استفاده کنیم.

در تصویرسازی یک مکالمه نکاتی را در نظر می‌آوریم:

- آیا تصاویر از نظر حرکت درونی پلان و حرکت دوربین کند هستند؟،
- آیا تصاویر از نظر حرکت درونی پلان و حرکت دوربین سریع هستند؟،
- آیا تصاویر را به شکل انتزاعی می‌بینیم و قرار است با آن‌ها تصویرسازی کنیم؟،
- تصاویر به ترتیب واقعه‌ای را نشان می‌دهند و یک روایت را بیان می‌کنند.؟.

به منحنی ساختار روایی فکر کنید

هر صحنه دارای حس گسترش و پیشرفت داستانی است. گاهی وقوع اتفاقی به شکل خطی نمایش داده می‌شود. و گاهی فحوای مکالمه را با تصاویر مناسب تصویرسازی می‌کنیم.

به مورد اول با جزئیات و ترتیبی، به مورد دوم آستره و تصویرسازی می‌گوییم.

در حالت ترتیبی به سرعت پیشرفت در روایت را حس می‌کنیم. در حالت ترتیبی گاهی پلان‌های کم و گاهی پلان‌های زیادی در اختیار داریم و با توجه به اهمیت دراماتیک موضوع، زمان ماندن یک صحنه در فیلم را تعیین می‌کنیم. داشتن پلان‌های زیاد همیشه تأثیر مثبت برای روایت بهتر صحنه ندارد چون گاهی آن صحنه‌ها، کمکی به روایت دراماتیک نمی‌کند.

سمبولیسم یا استعاره و تشبیه در حالت تصویرسازی بیشتر به کار می‌آید تا چیدن نماها به شکل ترتیبی.

مثلاً خلوت، تاریخی بودن، تنهایی و آشوب کلماتی هستند که می‌توانیم متناسب با آن‌ها تصاویر را انتخاب کنیم تا حس و حال این کلمات ادا شود.

معنای جدیدی به پلان‌ها می‌دهیم که در حالت اصلی پلان وجود ندارد. بسیاری اوقات در تدوین ضروری است که از کار فاصله بگیریم تا ببینیم چه اتفاقی دارد می‌افتد و به تصویر کلی نگاه کنیم. حالت تصویرسازی هنری تر است و جای بیشتری برای استعاره و مفهوم می‌گذارد.

سه کار اصلی تصاویر B-Roll یا اینسرت به این شرح هستند:

۱. تصویرسازی و تأکید بر آنچه شخصیت می‌گوید،

۲. پنهان کردن اشکالات بصری برای نگاه نامناسب و هر چیزی که باعث قطع شدن حس تماشاگر از موضوع می‌شود،

۳. ایجاد فضای تصویری و یا دراماتیک بین بخش‌های مختلف مکالمه.

به‌طور طبیعی وظیفه اینسرت‌ها فقط پوشاندن خطاهای تصویری مثل تغییر دیافراگم و یا حرکت نامناسب دوربین و جامپ کات‌های بخش‌های مختلفی از مکالمه که انتخاب شده نیست. یکی از کارهای B-Roll ها ایجاد فضای مناسب بین جملات است تا آن‌ها را برای تماشاگر قابل هضم‌تر کند و نباید جملات را به شکل رگباری برای تماشاگران بازگو کنیم بلکه به فضاهایی در میان کلمات نیاز داریم.

به چه نکاتی توجه می‌کنیم تا نماهای ما در مونتاژ به شکل مناسبی به هم کات شوند: Shot Flow به معنای ریتم و منطق حرکت‌هاست که در ارتباط کات‌ها به هم‌شکل می‌گیرد.

جریان خوب تدوینی با این موارد شناخته می‌شود:

۱. احساسات،

۲. زمان‌بندی و ریتم،

۳. حرکت درونی نماها،

۴. حرکت درونی پلان و مونتاژ مناسب حرکت مونتاژ،

۵. منطق در تغییر اندازه نماها،

۶. جغرافیا.





عنوان مقاله:

ساختار روایت در تدوین

نتیجه گیری:

تدوین مسلمانان یک وسیله اساسی برای ساختن فیلم است.

تدوین تدوینی، نقل یک داستان به صورتی قابل فهم و واضح است. هدف اساسی ریتم تدوینی، تأمین یک سیلان نرم از نمایی به نمایی دیگر است. مشابهت های گرافیکی حفظ شوند. سبک تدوینی به دنبال ارائه یک کنش روایی است (اساساً از طریق کار با فضا و زمان است که تدوین روایی در تدوین پیش می رود).

آکادمی نیک درس، در انتهای تابستان ۱۴۰۰ فعالیت خود را باهدف انتقال تجربه مدرسین در حوزه‌های مختلف از جمله دروس مدرسه و دانشگاه (تمامی رشته‌ها و تمامی مقاطع)، دروس حوزه علمیه، مهارت‌های بازار کار، هنر، صنعت، آشپزی، نرم‌افزارهای کاربردی و ... باکیفیت مطلوب جهت سربلندی کشور اسلامی عزیزمان ایران، آغاز نموده است.

تلاش شبانه‌روزی همکاران ما در آکادمی نیک درس جهت ارائه خدمات آموزش باکیفیت و مطلوب، باقیمتی پایین جهت پیش برد اهداف از قبل تعیین شده از جمله تحقق عدالت آموزشی، دسترسی آسان و باکیفیت به آموزش‌های متنوع در زمینه‌های گوناگون برای اقشار مختلف جامعه در استان‌ها، شهرها و روستاها و حتی در مناطق کمتر برخوردار می‌باشد.

امید است که با معرفی آکادمی نیک درس به دوستان و آشنایان خود، ما را جهت پیشبرد این اهداف یاری نمایید.

در صورت تمایل به تدریس و یا تمایل به نویسندگی مقالات در آکادمی نیک درس،
مهارت‌های خود را در [فرم همکاری با ما](#) در آکادمی نیک درس، ثبت نمایید.



www.NikDars.com